**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه393 – 07/ 11/ 1399 روایت علی بن محمد القاسانی /اخبار /ادله /استصحاب**

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## سوال از یوم الشک اول رمضان در روایت علی بن محمد قاسانی

بحث درباره روایت علی بن محمد قاسانی بود. بیان شد: سوال علی بن محمد قاسانی درباره روزی است که مردّد بین ماه شعبان و رمضان باشد و یوم الشک علی الاطلاق بر این روز اطلاق می شود نه روزی که مردّد بین رمضان و شوال است. با توجه به این نکته بسیاری از اشکالات مطرح شده به تمسک به این روایت پاسخ داده می شود.

مرحوم نائینی یقین و شک را به معنای متیقن و مشکوک دانست و متعلق یقین و شک را ماه رمضان قرار داد و روایت را این گونه معنا کرد: یوم الشک از ماه رمضان را داخل در ایام متیقنه رمضان قرار نده.

در اشکال به این کلام بیان شده: مطابق این معنا، افطر للرؤیه، نمی تواند متفرّع بر الیقین لا یدخل فیه الشک باشد.

در پاسخ گفته می شود: افطر للرؤیه تفریع بر الیقین لا یدخل فیه الشک نیست. زیرا این عبارت مربوط به یوم الشک اول رمضان است و تنها صم للرؤیه بر آن تفریع شده است. به این معنا که روز مشکوک را داخل در ایام متیقنه رمضان قرار نده که در آن روز، روزه بگیری. بلکه با رؤیت، صوم را آغاز کن. در ادامه امام علیه السلام بیان می کند: این حکم اختصاصی به اول ماه رمضان ندارد و آخر ماه رمضان را هم به منزله ایام فطر قرار نده و یوم الشک را جزء شوال قرار نده. پس افطار نیز باید با رؤیت باشد و تا زمانی که ماه شوال اثبات نشده، حق افطار ندارید.

### اشکال: عدم دخالت یقین به شوال در افطار

به تناسب به این نکته اشاره می شود که مرحوم آقای داماد می فرماید: ممکن است رؤیت و یقین به ماه رمضان در ابتدای رمضان دخیل در روزه باشد و تا زمانی که یقین به رمضان ندارید نمی توان به صورت جزمی روزه ماه رمضان را گرفت. اما یقین به ماه شوال دخالتی ندارد. پس در قطعه اول نیز یقین به ماه رمضان مراد نیست.[[1]](#footnote-1)

#### پاسخ

اولا: بین صم للرؤیه و افطر للرؤیه تفاوت وجود دارد و تنها صم للرؤیه بر الیقین لا یدخل فیه الشک تفریع شده است.

ثانیا: افطر للرؤیه به این معناست که یقین دخیل در افطار است و جواز افطار متفرع بر یقین به شوال است چنانچه وجوب صوم یا جواز صوم به نیت جزمی رمضان، متفرع بر یقین بر رمضان است. بنابراین در حکم ظاهری وجوب صوم یقین به ماه رمضان دخالت دارد و در حکم ظاهری وجوب افطار، یقین به ماه شوال دخیل است.

اشکال بر تفسیر مرحوم نائینی این است که تفسیر کردن یقین و شک به متیقن و مشکوک نیازمند قرینه است و ممکن است ادعا شود قرینه کافی بر این تفسیر وجود ندارد. اما سایر اشکالات قابل پاسخ دادن است.

## دو معنای دیگر برای روایت

روایت را می توان به دو نحو دیگر تفسیر کرد که مطابق هر دو معنا روایت ارتباطی به استصحاب ندارد.

### معنای اول: عهد بودن ال در الیقین و الشک

معنای اول این است که شک داخل در یقین به ماه رمضان نمی شود به این معنا که شک در دخول در ماه رمضان جای یقین را نمی گیرد و لازم نیست در فرض شک، حکم یقین را بار کرد. در فرض یقین به ماه رمضان باید روزه گرفت و شک در ماه رمضان حکم یقین را ندارد. مطابق این معنا، ال عهد است الیقین بشهر رمضان لا یدخل فیه الشک برمضان.

سوال سائل عن الیوم الذی یشک فیه من شهر رمضان است که شک مقیّد به رمضان شده است. از همین سوال، روشن می شود یقین نیز مقیّد به شهر رمضان است. پس ال در الیقین و الشک می تواند عهد باشد و اشکال شهید صدر وارد نیست. ایشان فرمود: در این روایت صحبتی از یقین و شک نشده است تا ال عهد باشد.[[2]](#footnote-2) البته تنها صم للرؤیه متفرع بر الیقین لا یدخل فیه الشک است و افطر للرؤیه نکته زائدی است که امام علیه السلام فرمود.

#### تعمیم روایت به شک در هلال

مرحوم آقای حائری بیان می کند: از روایات یوم الشک استفاده می شود که این حکم مختص به ماه رمضان نیست و در تمام موارد است. ایشان به سه روایت اشاره کرده است:

1. «إنّ شهر رمضان فريضةٌ من فرائض اللَّه فلا تؤدّوا بالتظنّي» شهر رمضان فریضه ای از فرایض الهی است و با تظنی انجام نمی شود.
2. در تفسیر «قُلْ هِيَ مَواقِيتُ لِلنَّاسِ وَ الْحَجِّ» بیان شده: «لصومهم و فطرهم و حجّهم» پس اختصاصی به رمضان ندارد و ذی الحجه را نیز شامل است.
3. در تفسیر همین آیه شریفه که حضرت علیه السلام در پاسخ به سوال از الاهله فرمود: هي أهلّة الشهور، فإذا رأيت الهلال فصم، و إذا رأيته فأفطر .. از این روایت استفاده می شود که هلال شهر رمضان خصوصیت ندارد و تمام ماه ها به همین نحو است.[[3]](#footnote-3)

درباره نماز صبح وارد شده است: اگر یقین به طلوع فجر کردید، نماز بخوان و در صورت عدم یقین، نافله بخوان. از این روایت استفاده می شود که در وقت نافله توسعه ای قرار داده شده که این توسعه در وقت فریضه نیست. پس «شهر رمضان فریضه من فرائض الله» حکم تعبّدی شرعی است که بدون حصول یقین، شارع اجازه دخول در فریضه را نمی دهد و حق نداریم بدون یقین به دخول شهر رمضان، شهر رمضان را دخول شده فرض کنیم.

آقای حائری فرمود: یقین و شک خصوصیتی ندارد.

هر چند این مطلب صحیح است اما منافاتی با آن ندارد که یقین و شک عهد به قبل باشد. بحث این است که شک جای یقین به شهر رمضان را نمی گیرد و این اختصاصی به شهر رمضان ندارد و خصوصیت تمام شهور این است که باید با رؤیت هلال ثابت شوند و احکام ماه تنها پس از ثبوت ماه، مرتّب می شود. پس این مطلب اختصاصی به شهر رمضان ندارد اما چون سوال سائل تنها درباره شک در دخول ماه رمضان بوده، حضرت علیه السلام حکم آن را با الیقین لا یدخل فیه الشک بیان کرده و در ادامه با صم للرؤیه و افطر للرؤیه بیان می کند: این حکم اختصاص به صوم ندارد که وجوب آن متفرع بر رؤیت باشد بلکه افطار نیز به همین نحو است و باید با رؤیت آغاز شوال اثبات شود. از روایات دیگر استفاده می شود که این حکم اختصاص به ماه رمضان و شوال ندارد و در سایر ماه ها نیز به همین نحو است.

در نتیجه کلام مرحوم حائری که یقین به رمضان دخالتی ندارد، منافاتی با فرمایش مرحوم آخوند ندارد که یقین و شک را به معنای یقین و شک در ماه رمضان دانسته است. بلکه یقین و شک به معنای یقین و شک در ماه رمضان است اما از باب مصداقی از مصادیق یقین به اول ماه و شک در آغاز ماه است. حکم ظاهری شارع درباره آغاز شدن ماه این است که باید آغاز ماه ثابت شود. البته نتیجه این مطلب، جریان در سایر روزهای ماه است. واجبات حج از روز نهم آغاز می شود و با محاسبه مستحبات حداکثر از روز هشتم آغاز می شود. روز هشتم و نهم متفرع بر ثبوت هلال است که با توجه به آن می توان هشتم و نهم و دهم ذی الحجه را ثابت کرد. بنابراین تمام این موارد متفرع بر یقین به دخول ماه است که با رؤیت هلال حاصل می شود.

### معنای دوم: جایگزین نشدن شک در حکمی که یقین در آن معتبر است

ال در الیقین و الشک را عهد ندانیم بلکه مفاد این روایت این باشد که اگر در حکمی یقین معتبر باشد، شک جایگزین آن نمی شود. در المحکم آقا سید محمد سعید حکیم، روایت به این نحو معنا شده است.[[4]](#footnote-4)

مرحوم آقای حائری این اشکال را مطرح کرده که این معنا ضروری به شرط محمول است و روشن است در جایی که یقین معتبر است، شک جای آن را نمی گیرد.

گویا این مطلب برای آقای حائری مفروغ عنه است که الیقین لا یدخل فیه الشک دلالت بر قاعده ای می کند که خود مخاطب می تواند آن را تطبیق کند. اما دلیلی بر این استظهار وجود ندارد بلکه ممکن است گفته شود: الیقین لا یدخل فیه الشک مقدمه و تمهید برای صم للرؤیه و افطر للرؤیه است. به این معنا که در جایی که یقین معتبر است، شک جایگزین آن نمی شود و صوم و افطار از اشیائی است که یقین در آنها معتبر است. پس تعیین صغرای مواردی که یقین در آنها معتبر است، اهمیت دارد. روایات زیادی درباره صوم للرؤیه و افطر للرؤیه وارد شده که از آنها استفاده می شود صوم و افطار از اموری است که در آنها یقین معتبر و شرط است. الیقین لا یدخل فیه الشک نیز مقدمه بر همین مطلب است که بسیار طبیعی است.

از این مطلب روشن می شود که اگر ال در الیقین و الشک عهد به سوال سائل نباشد، حتما به معنای مطلق نیست و می تواند به این معنا باشد که در جایی که یقین معتبر است، شک جایگزین آن نمی شود. پس حتی اگر یقین و شک جنس باشد، باید تقییدی در آن قائل شد.

### لزوم ملاحظه تناسب بین الیقین لا یدخل فیه الشک و صم للرؤیه

به نظر می رسد بین الیقین و الرؤیه ارتباطی وجود دارد و صم للرؤیه نتیجه اعتبار یقین و لو برای حکم ظاهری است. یقین در استصحاب، یقین به عدم دخول ماه رمضان است در حالی که صم للرؤیه یقین به دخول ماه رمضان است و مستبعد است الیقین لا یدخل فیه الشک درباره یقین به عدم دخول رمضان باشد و صم للرؤیه درباره یقین به دخول رمضان باشد.

پس مطابق تمام معانی متعارف برای الیقین لا یدخل فیه الشک، باید تناسب بین الیقین لا یدخل فیه الشک و صم للرؤیه را در نظر گرفت.

* مطابق معنا کردن یقین و شک به متیقن و مشکوک (مبنای مرحوم نائینی)، رؤیت سبب می شود روزی، روز یقینی ماه رمضان شود و مراد از متیقن، ایام متیقن از ماه رمضان است.
* مطابق معنا کردن یقین به ثبوت رمضان نیز رؤیت سبب یقین به ثبوت ماه رمضان می شود.
* مطابق معنا کردن یقین در جایی که یقین در شیء معتبر باشد، رؤیت سبب یقین به ثبوت هلال می شود.

اما مطابق معنا کردن الیقین لا یدخل فیه الشک به استصحاب، باید یقین را یقین به عدم دخول تفسیر کرد که در این صورت، تناسب بین الیقین لا یدخل فیه الشک و صم للرؤیه از بین می رود. نتیجه این معنا، اختصاص صم للرؤیه به جایی است که استصحاب جاری نمی شود. این معنا مستبعد است و ظاهر روایت این است که رؤیت در صم للرؤیه و افطر للرؤیه بیان کننده رؤیتی است که مقدمه یقین است.

شهید صدر بیان کرده: معنا کردن لا یدخل فیه الشک به این که شک در حکم یقین نیست، غیر عرفی است. اما این معنا عرفی است و بزرگانی مانند مرحوم مجلسی و مرحوم فیض کاشانی و دیگران، دخل را به معنای در حکم یقین بودن معنا می کنند و داخل بودن یک موضوع در موضوع دیگر این است که حکم آن موضوع برای موضوع دیگر است. مطابق مختار مرحوم نائینی در معنای یقین و شک، تفسیر دخل فیه الشک به معنای مذکور روشن تر است یعنی یوم الشک را داخل در ماه رمضان نکن و در حکم ماه رمضان ندان. هر چند این معنا برای یقین و شک مجازی است، اما موجب می شود تفسیر مذکور روشن تر باشد. مرحوم نائینی هر چند تفسیر یقین و شک به متیقن و مشکوک را مجازی می داند اما بیان می کند: معنای متناسب مجازی این است که یوم الشک را داخل در رمضان کنیم و ملحق به آن بدانیم شبیه قول پیامبر صلی الله علیه و آله: من الحق بشهر رمضان یوما من غیره فلیس بمؤمن بالله و لا بی.

هر چند این معنا سرراست است اما این میزان برای تفسیر یقین و شک به متیقن و مشکوک کافی نیست.

نتیجه آنکه، معنا کردن دخل به این که شک حکم یقین را ندارد، معنایی عرفی است بر خلاف ادعای شهید صدر. مثل آنکه گفته شود: ابلیس داخل فی الملک بوده است به این معنا که ابلیس حکم ملک را دارد و خطاب خداوند به ملائک در سجده، ابلیس را هم در بر می گیرد. یا المنافق داخل فی المؤمن که دلالت می کند آیاتی که خطاب به مؤمنین است و تکلیفی را برای آنها قرار داده، شامل منافق نیز می شود.

## اشکال بر استدلال به روایت بر استصحاب: عدم اشاره به یقین سابق و شک لاحق

اشکال اصلی استدلال به روایت بر استصحاب این است که لازمه دلالت روایت روایت بر استصحاب، وجود یقین سابق و شک لاحق است اما هیچ اشاره ای به یقین سابق و شک لاحق در روایت وجود ندارد. در سایر روایات استصحاب، لا تنقض الیقین بالشک به قرینه سوال سائل، بر یقین سابق و شک لاحق تطبیق می شود چنانچه از من کان علی یقین فشک به قرینه فاء تفریع، یقین سابق و شک لاحق برداشت می شود. نکته اصلی که حاج آقای والد دلالت این روایت بر استصحاب را نمی پذیرد، همین اشکال است.

نتیجه آنکه روایت علی بن محمد قاشانی دال بر استصحاب نیست. هر چند نتیجه اینکه صم برای رؤیت است و فطر برای رؤیت است، این است که در یوم الشک استصحاب ماه قبل صورت گیرد. پس همراه با یک استصحاب است اما از آن استفاده نمی شود ملاک عدم اجرای احکام ماه بعد در یوم الشک، استصحاب ماه قبلی باشد. اگر در این موارد استصحاب جاری باشد، چون روایت ناظر به این خصوصیت نیست، نمی توان از آن قانون عامی استفاده کرد و نهایتا دال بر جریان استصحاب در خصوص ماه رمضان است.

حاج آقای والد می فرماید:

به نظر ما اینکه این روایت بتواند بر مسئله‌ای اصولی دلالت داشته باشد، تمام نیست. عبارت «الیقین لا یدخل فیه الشک» در صدد بیان مسئله فقهی است؛ یعنی شک نمی‌تواند جایگزین یقین شود. این روایت در صدد بیان این مسئله فقهی است که در ماه رمضان و در ماه شوال یقین معتبر است و نمی‌توان به شک اکتفاء نمود. در این روایت از حالت سابقه بحثی به میان نیامده است.

خلاصه آنکه،

اولا: اثبات نمی شود لزوم یقین به دخول رمضان در اجرای احکام رمضان، به ملاک استصحاب است.

ثانیا: اگر اثبات شود این مطلب به علت حالت سابقه و استصحاب است، اما روایت استصحاب در مسأله فقهی را بیان کرده نه استصحاب در مسأله اصولی و به صورت عام.

در جلسه آینده درباره روایت خاصه بحث خواهیم کرد که آیا می توان از آنها قاعده عامی را برداشت کرد.

1. المحاضرات ( مباحث اصول الفقه )، ج‏3، ص: 43 [↑](#footnote-ref-1)
2. مباحث الأصول، ج‏5، ص: 155 [↑](#footnote-ref-2)
3. مبانى الأحكام في أصول شرائع الإسلام، ج‏3، ص: 34 [↑](#footnote-ref-3)
4. المحكم في أصول الفقه، ج‏5، ص: 57 [↑](#footnote-ref-4)